

ترسیم خطوط کلی ربط مفاهیم شهر و رندی و تطبیق براساس بُعد زمان با استفاده از تحلیل منطقی-زبانی

چکیده

دانش ضمنی، بخشی از دانش بشری است که بیشتر براساس مهارت و تجربه کسب می‌شود و انتقال آن از فردی به فرد دیگر و تبدیل آن به دانش صریح، با چالش‌هایی جدی روبه‌رو است. بخشی از دانش ضمنی شعرای حکیم ایران، در شعرهای‌شان متجلی شده است. یکی از بزرگ‌ترین این شعرا که بیان‌کننده جهان‌نگری ایرانی است، حافظ است. در این مقاله، سعی شده است با روش تفکر منطقی و تحلیل زبانی، بخش کوچکی از دانش ضمنی پنهان در ابیات حافظ را که مرتبط با مفهوم «رندی» است، آشکار شود. فرض اصلی اول این مطالعه، این است که ابیات دیوان حافظ راجع به این مفهوم که در کنار مفهوم «عشق» مهم‌ترین مفاهیم این مجموعه اشعار هستند، دانش ضمنی عمیقی راجع به انسان را در خود پنهان کرده‌اند. دومین فرض اصلی این مقاله، این است که آشکار کردن این دانش ضمنی انسان‌شناسانه و پیدا کردن ارتباط آن با مفهوم «شهر»، دستاوردی مهم برای دانش شناخت شهر و ساخت شهر دارد. این مطالعه با روش تحلیل زبانی-منطقی ربط دو مفهوم-واژه «شهر» و «رندی» را جست‌وجو می‌کند. در این مطالعه، روش و نتیجه درهم تنیده هستند و کاملاً شفاف روش تحلیل آن از خلال سطور آن، قابل مشاهده است. نتایج این مطالعه، براساس انتخاب‌های عقلی صورت گرفته در مطالعه در چهار بعد زمان، مکان، حرکت و شاعری آشکار شده‌اند. اما در این مقاله، تنها بعد زمان، به عنوان یکی از ابعاد ربط شهر و رندی، آورده شده است. این مطالعه، مقدمه‌ای نسبتاً بدیع برای استفاده از روش‌های تحلیل منطقی در دانش شهرشناسی و شهرسازی است.

اهداف پژوهش:

۱. بررسی ارتباط مفاهیم شهر و رندی در اشعار حافظ براساس بُعد زمان.
۲. کاربرد روش تحلیل منطقی-زبانی در تبیین ارتباط مفاهیم شهر و رندی در اشعار حافظ.

سوالات پژوهش:

۱. بین مفاهیم شهر و رندی در اشعار حافظ براساس بُعد زمان چه ارتباطی وجود دارد؟
۲. آیا با استفاده از روش تحلیل منطقی-زبانی می‌توان ارتباط مفاهیم شهر و رندی در اشعار حافظ را تبیین کرد؟

کلیدواژه‌ها: شهر، رندی، تحلیل منطقی-زبانی، دانش ضمنی، بُعد زمان.

مقدمه

درباره اهمیت و ضرورت این مطالعه، این نکته را بنویسم که اگر تصدیق کنید که در حال حاضر برای فعالیت در مباحث شناخت شهر و ساخت شهر در ایران (همانند بسیاری از موضوعات مشابه) چند راه پیش‌رو داریم که سه راه اصلی آن شامل موارد زیر می‌شوند: ۱. ترجمه و گزینش این مباحث از سایر کشورها (بومی‌سازی عرفی)؛ ۲. معاصرسازی و به روز کردن مباحث بومی؛ ۳. حل مسئله شهر و شهرسازی به‌عنوان سکونتگاه انسان ایرانی (حرکت از انسان ایرانی به شهرسازی). اگر بپذیرید چنانچه راه سوم را انتخاب کرده باشیم، یکی از راه‌های شناخت انسان و جامعه ایرانی به‌عنوان کهن‌الگوهای اصیل (شایگان، ۱۳۹۲: ۷۸) (البته اگر چنین فرضی درست باشد)، رجوع به ادبیات مکتوب آن است، خصوصاً آن بخش از منابع فرهنگی نوشتاری این سرزمین که پدیدآورندگان‌شان به‌عنوان وجدان یا حافظه جامعه ایرانی شناخته می‌شوند، به اهمیت برقراری ارتباط میان مفهوم «شهر» با «زندگی» که بنا بر نظر حافظ پژوهان در کنار «عشق»، دو مفهوم کلیدی دیوان حافظ را تشکیل می‌دهند، معترف خواهید شد.

این مطالعه تلاشی است برای تفکر کردن و آشنایی با محدوده‌های آن و مغالطات احتمالی آن، که به‌نظر نگارنده برای ما غیرمتخصصان فلسفه، منطق و عرفان این حداقل، رضایت بخش است. برای خواندن و ارزیابی آن، همانند یک شهر به میادین (گره‌ها) و خیابان‌های (مسیرهای) آن توجه کنید. میادین آن گزاره‌ها و عبارت‌هایی هستند که به‌عنوان مقدمه استدلال آورده می‌شوند. فرضیات، بدیهیات و تعاریف از این دسته هستند. برای پذیرش آن‌ها تا حد ممکن یا دلیل عقلی یا دلیل تجربی و یا دلیل فطری آورده شده است. خیابان‌ها، گزاره‌ها و عبارت‌هایی هستند که بر مبنای گره‌ها و با استفاده از استقرا یا قیاس مطالعه را به‌سوی نتایجی راهبری می‌کنند. صحت آن‌ها وابسته به صحت استقرا یا قیاس‌شان است.

این مطالعه، بر مبنای قیاس جدلی آغاز می‌شود. در قیاس جدلی، قضایای مشهور و مسلم به‌عنوان مقدمات هستند (خوانساری، ۱۳۹۸: ۴۵). این مطالعه، گاه بر مبنای قیاس خطابه‌ای و گاه بر اساس قیاس شعری پیش می‌رود. در قیاس خطابه‌ای، مقبولات و مضمونات و در قیاس شعری، مخیلات به‌عنوان مقدمات هستند (خوانساری، ۱۳۹۸: ۴۶). این مطالعه ممکن است گاه در دام مغالطه و استدلال تمثیلی افتاده باشد. در قیاس مغالطه‌ای، وهمیات به‌عنوان مقدمات هستند (خندان، ۱۳۹۸: ۷۵). این مطالعه به دنبال ارائه برهان، استدلال استقرایی و استدلال بی‌واسطه است. در برهان، امور یقینی و بدیهی به‌عنوان مقدمات هستند. در استدلال استقرایی، از مشاهدات جزئی به نتایج کلی می‌رسیم (خوانساری، ۱۳۹۸: ۴۸). در استدلال بی‌واسطه از یک قضیه جزئی به قضیه جزئی دیگر می‌رسیم (خوانساری، ۱۳۹۸: ۴۸). هرآنچه اصلاً بتواند گفته شود، می‌تواند به روشنی گفته شود، و آنچه درباره‌اش نتوان حرف زد، می‌باید درباره‌اش خاموش ماند (ویتگنشتاین، ۱۳۹۲: ۵). این مطالعه، احتمالاً راجع به موضوعی است که می‌توان درباره‌اش حرف زد.

نتیجه‌گیری

این مطالعه صحت، صدق، اعتبار و موجه بودن گزاره‌های زیر را پذیرفته است:

- تحلیل زبانی - معنایی از گزاره‌های پدیدارشناسه قابل ارائه است.
 - هر مفهوم - واژه در سه سطح واژگانی، مفهومی و واقعی قابل بررسی است.
 - ارتباط میان مفهوم - واژه‌ها نیز در این سه سطح قابل بررسی است.
 - گزاره پدیدارشناسانه مشهور هایدگر، " هستی، خانه زبان است." که نمونه‌ای از ارتباط واژگان - مفاهیم است و در بیرون از متن خود هم می‌تواند واجد معنا باشد و قابل کاوش تحلیلی - زبانی. این گزاره در صورت صدق و اعتبار، به‌عنوان مثالی برای استفاده از تحلیل سه سطحی مفهوم - واژگان، می‌تواند معنی‌کاوی شود.
 - دو مفهوم - واژه "رندی" و "شهر"، در سطح معنی، تحلیل و رابطه‌یابی می‌شوند.
 - احتمال کم (شک) به وجود رابطه تأثیرگذار میان آن‌ها.
 - بررسی رابطه میان کلیت یکی با کلیت دیگری.
 - استفاده از تلسکوپ (ابزار ترکیبی - شهودی که مبتنی بر حدس، پدیدارشناسی و تفسیر - تاویل است.) برای رابطه‌یابی و تطبیق - ترجمه.
 - تطبیق - ترجمه در منطقه افتراق دو متن.
- براساس این فرض‌ها و راهبری اندیشه در قالب اشعار حافظ راجع به رندی، چهار بعد زمان، مکان، حرکت و شاعری به‌عنوان ابعاد اصلی ربط دو مفهوم "شهر" و "رندی" آشکار شدند که در این مطالعه تنها، بعد زمان تا حدودی باز شد. این مطالعه، مقدمه‌ای نسبتاً بدیع برای استفاده از روش‌های تحلیل منطقی در دانش شهرشناسی و شهرسازی است و قطعاً خالی از نقصان نیست. نقصان در فهم مفاهیم و همچنین نقصان در تحلیل و راهبری اندیشه، بخشی از مهم‌ترین محدودیت‌های ممکن در این مطالعه‌اند.

فهرست منابع و مآخذ

- آشوری، داریوش. (۱۴۰۰). عرفان و رندی در شعر حافظ، چاپ ۱۸، تهران: مرکز. ابراهیمی دینانی، غلامحسین. (۱۳۹۳). قواعد کلی فلسفی در فلسفه اسلامی، چاپ ۶، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- الکساندر، کریستوفر. (۱۳۹۷). معماری و راز جاودانگی: راه جاودانه ساختن، ترجمه: مهرداد قیومی بیدهندی، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- حافظ، شمس‌الدین محمد. (۱۴۰۰). دیوان حافظ، تهران: ارتباط نوین.
- خاتمی، محمود. (۱۳۹۶). جهان در اندیشه هیدگر، چاپ ۴، تهران: مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر.
- خالصی، عباس و سیدحسن امین. (۱۳۸۷). مکتب رندی: پژوهشی در شناخت خواجه شمس‌الدین محمد حافظ شیرازی سر حلقه رندان جهان، تهران: سرمدی.
- خرمشاهی، بهاء‌الدین. (۱۴۰۰). حافظ، چاپ ۸، تهران: ناهید.
- خندان، علی‌اصغر. (۱۳۹۸). مغالطات، چاپ ۱۵، قم: بوستان کتاب قم.
- خوانساری، محمد. (۱۳۹۸). دوره مختصر منطق صوری، چاپ ۲۹، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- درگاهی، محمود. (۱۳۸۲). حافظ و الهیات رندی، تهران: قصیده سرا.
- شایگان، داریوش. (۱۳۹۲). هانری کرین: آفاق تفکر معنوی در اسلام ایرانی، ترجمه: باقر پرهام، چاپ ۶، تهران: موسسه نشر فرزاد روز.
- شایگان، داریوش. (۱۳۹۸). آسیا در برابر غرب، چاپ ۱۳، تهران: امیرکبیر.
- فکوهی، ناصر. (۱۴۰۰). انسان‌شناسی شهری، چاپ ۱۳، تهران: نی.
- مامفورد، لوئیز. (۱۳۸۵). فرهنگ شهرها، ترجمه: عارف اقوامی‌مقدم، تهران: مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری.
- مزارعی، فخرالدین. (۱۳۷۴). مفهوم رندی در شعر حافظ، ترجمه: کامبیز محمودزاده، تهران: کویر.
- موریس، جیمز. (۱۳۹۸). تاریخ شکل شهر تا انقلابات صنعتی، ترجمه: راضیه رضازاده، چاپ ۱۵، تهران: دانشگاه علم و صنعت ایران.
- واله، حسین. (۱۳۹۹). متافیزیک و فلسفه زبان: ویتگنشتاین متقدم و علوم عقلی اسلامی، چاپ ۲، تهران: گام نو.
- ویر، ماکس. (۱۳۸۴). شهر در گذر زمان، ترجمه: شیوا کاویانی، چاپ ۴، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- ویتگنشتاین، لودویگ. (۱۳۹۲). رساله منطقی - فلسفی، ترجمه: میرشمس‌الدین ادیب‌سلطانی، چاپ ۲، تهران: امیرکبیر.
- هایدگر، مارتین. (۱۴۰۰). هستی و زمان، ترجمه: عبدالکریم رشیدیان، چاپ ۱۰، تهران: نی.